

Investigating the Status of Legal Literacy of Teachers in District 2 of Zanzan

Kimia Panahi

English Language Teaching Student, English Language Teaching Department, Farhangian University, Zanzan, Iran.(Corresponding author) kimiyapanahi@cfu.ac.ir

Abbas Ramezani

Assistant Professor, Department of Educational Management, Farhangian University, Tehran, Iran. a.ramezani@cfu.ac.ir

Date Received 2024/7/7

Date of Release 2024/9/18

Abstract

The purpose of this study was to investigate the status of legal literacy of teachers in district 2 of Zanzan city. For this purpose, a questionnaire was prepared based on three areas of Civil Service Management law, Administrative Violations law and Teacher Ranking System law. Employing a stratified random sampling method, a sample of 320 people (male and female) was selected from the teachers in district 2 of Zanzan city and the questionnaire was distributed among them. The research instrument is the research made legal literacy questionnaire with 30 items, which is used to ascertain the construct validity through confirmatory factor analysis and validation (calculation of Cronbach's alpha) and to analyze the data using independent one sample t test, independent two-samples t test and one way Anova. The findings of the research confirms that the level of legal literacy of teachers is lower than average. Furthermore, there is no significant difference between the level of legal literacy with gender and level of education but there is significant difference between the level of legal literacy concerning teaching experience.

Keywords: legal literacy, teachers, Civil Service Management law, Administrative Violations law, Teacher Ranking System law

فصلنامه حقوق اداری
سال یازدهم، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۳۹
مقاله علمی پژوهشی

بررسی وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان

کیمیا پناهی^۱، عباس رضانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ شهر زنجان انجام شده است. از نظر هدف، پژوهش حاضر کاربردی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع توصیفی-پیمایشی است. بدین منظور، پرسشنامه‌ای براساس سه حوزه قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون نظام رتبه‌بندی تهیه شد. با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، نمونه‌ای مشتمل بر ۳۲۰ نفر (زن و مرد) از معلمان ناحیه ۲ زنجان انتخاب و پرسشنامه میان آن‌ها توزیع شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته سواد حقوقی با ۳۰ گویه است که برای تعیین روایی سازه از آزمون تحلیل عاملی تاییدی، و اعتبار (محاسبه آلفای کرونباخ) و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی یک نمونه مستقل، تی دو نمونه مستقل و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد. نتایج پژوهش مؤید آن است که میزان سواد حقوقی معلمان در حد پایین‌تر از حد متوسط است و در ارتباط بین میزان سواد حقوقی با جنسیت و میزان تحصیلات معلمان، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما بین میزان سواد حقوقی و سابقه تدریس معلمان، تفاوت معنادار وجود دارد. درنهایت، برای افزایش سطح سواد حقوقی معلمان، تدابیری پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: سواد حقوقی، قانون رسیدگی به تخلفات اداری، قانون نظام رتبه‌بندی معلمان، قانون مدیریت خدمات کشوری، معلمان.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی آموزش زبان انگلیسی، گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان، زنجان، ایران. kimiyapanahi@cfu.ac.ir
۲. استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.ramezani@cfu.ac.ir

۱. مقدمه

کیفیت آموزش همواره از دغدغه‌های اصلی ارکان گوناگون جامعه از جمله دولت، والدین و دانش‌آموزان بوده است. معلم و مدیر آموزشی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های موثر بر کیفیت آموزش به شمار می‌آیند که نقش قابل توجهی در تعیین استانداردهای آموزشی یک سازمان آموزشی دارند. معلم به فردی اطلاق می‌شود که رسالت خطیر صرفاً تربیت دانش‌آموزان را در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی بر عهده دارد؛ مانند آموزگار، دبیر، هنرآموز، مربی امور تربیتی، مشاور واحد آموزشی، مراقب سلامت، نیروهای توانبخشی مدارس استثنایی، مدیر و معاون در واحدهای آموزشی و تربیتی (قانون رتبه‌بندی معلمان، ۱۴۰۰). به طور کلی، معلمان؛ تابع قوانین سازمانی آموزش و پرورش کشور هستند و رفتار حرفه‌ای‌شان توسط مقامات آموزشی، دولت و مردم تحت نظارت است. از آنجایی که یکی از شاخص‌های رفتار حرفه‌ای معلمان طبق مدل استانداردهای حرفه‌ای معلمان، مسئولیت‌پذیری قانونی، آگاهی از قوانین و توجه به حقوق معلم، اولیا و دانش‌آموزان است (قهرمانی فرد و سیدعباس‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۷). یکی از عوامل ارتکاب رفتار غیرحرفه‌ای، عدم آگاهی معلمان به حقوق و تکالیف قانونی‌شان است و این عدم آگاهی از قوانین و حقوق و وظایف شغلی‌شان می‌تواند پیامدهای ناهنجاری به دنبال داشته است

(Hamid & Mohammad, ۱۸۷: ۲۰۱۸) و منجر به وقوع فرایندهای پرهزینه، زمان‌بر و تصمیم‌گیری‌های ناآگاهانه در محیط آموزشی شود (keel, ۱۹۹۸)؛ (Findlay, ۲۰۰۷). همچنین دعاوی حقوقی و کیفری که ممکن است به علت عدم آگاهی از قانون شامل حال معلمان شود، از نظر حرفه‌ای و شخصی تلفاتی را برای آن‌ها به بار می‌آورد؛ چرا که به استناد ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست». بنابراین، عدم آگاهی یا بی‌توجهی به قوانین آموزشی توجیهی برای رفتار غیرحرفه‌ای معلمان نیست (Delaney, ۲۰۰۸: ۲). همان‌طور که رانندگان نمی‌توانند با ادعای بی‌اطلاعی از سرعت مجاز، از صدور جریمه جلوگیری کنند، ناآگاهی معلمان از قانون نیز موجب توجیه تخلف آن‌ها نمی‌شود (Decker, ۲۰۱۴: ۳). از طرفی، بسیاری از معلمان نگاهی حاکی از ترس و نگرانی نسبت به قوانین دارند و از قرار گرفتن در مقام مشتکی عنه می‌هراسند؛ چرا که در مورد قوانین موثر بر عملکرد حرفه‌ای‌شان اطلاعی ندارند یا اطلاعات ناقصی دارند. ترس شدید از طرح دعوی قضایی که در حرفه معلمی رخنه کرده است، تا حدودی سبب نارسایی در درک فراگیر و در نتیجه، عدم اعتماد به نفس معلمان در برابر موضوعات و مسائل قانونی شده است (Zirkel, ۲۰۰۶؛ Findlay, ۲۰۰۷).

بنابراین، بهترین تدبیر در برابر پیشگیری از طرح دعاوی قضایی احتمالی، دانستن و درک حقوق و مسئولیت‌های قانونی حوزه آموزش است (Young, et al, ۲۰۱۴: ۷). آگاهی معلمان و مدیران از قوانین و مقررات آموزشی سازمان‌های مختلف آموزش و پرورش موجب می‌شود نسبت به حقوق و مزایای مادی و

معنوی خود و دیگران در عرصه تعلیم و تربیت، وقوف بیشتری داشته و در انجام وظیفه آموزشی و اداری موفق تر عمل کنند (صافی، ۱۴۰۱: ۱۶). معلمانی که آگاهی کافی از قانون دارند، نه تنها در اجتناب از دعاوی احتمالی موثر عمل می کنند، بلکه رهبران کارآمدتر و مسئولیت پذیرتری نیز هستند و این امر در همه سطوح صدق می کند (Findlay, ۲۰۰۷).

سواد حقوقی، میزان اشراف افراد به ماهیت قانون، رویه ها و منابع قانونی موجود و مهارت به کارگیری موثر این دانش به منظور تشخیص تعارضات حقوقی، یافتن راه حل های مطلوب در برابر طرح دعاوی قضایی، درک انتقادی از قوانین، کنشگری فعالانه و مطالبه عدالت است (انجمن وکلای آمریکا، ۲۰۱۷؛ انجمن اقدام پژوهی همگانی^۲، ۲۰۲۰). سواد حقوقی، مهارتی اجتماعی است که می تواند در آگاهی بخشی و ارتقاء سطح اجتماعی و توانمندسازی افراد جامعه از جمله معلمان، نقش تعیین کننده ایفا کند (مرزوقی و محمدزاده، ۱۳۹۹: ۱۱۲). درواقع، سواد حقوقی برای معلمان؛ آگاهی از مسائل حقوقی است که معلمان را قادر می سازد قواعد حقوقی مرتبط با عملکرد حرفه ای روزمره خود در محیط های آموزشی را به کاربندند (Decker & Brady, ۲۰۱۶: ۲۴۹).

سواد حقوقی برای معلمان در زمینه آموزش، عنصر اصلی تصمیم گیری آگاهانه و رفتار معقول در دو جنبه قانونی و آموزشی فعالیت روزمره آنها به حساب می آید که نمایانگر رفتار حرفه ای آنهاست. (Schimmel & Militello, ۲۰۰۸: ۲۵۹)

معلمان با سواد حقوقی بیشتر، آگاه به پیامدهای بالقوه اعمال خود هستند و به احتمال بیشتری، تصمیمات محتاطانه و آگاهانه در مورد نحوه واکنش بایسته به مسائل مدرسه به منظور حفظ نظم و اجتناب از دعاوی حقوقی اتخاذ می کنند (Posocco, ۲۰۱۶: ۲۸). لذا کسب و ارتقای سطح سواد حقوقی برای معلمان، سبب حفظ اقتدارشان به عنوان کارگزاران دولت خواهد شد. همچنین شimmel و میلیتلو^۳ (۲۰۰۷) اظهار می دارند که اشراف بر قوانین بر تعاملات، روابط و تصمیمات مدیران و معلمان، اثرگذار است و این تاثیرگذاری نهایتاً شامل یادگیری دانش آموزان هم می شود.

طبق تحقیقات صورت گرفته، قوانین آموزشی و اداری موثر بر عملکرد حرفه ای و مرتبط با حوزه کاری معلمان در کشور ایران در یک سند واحد یافت نمی شود؛ لذا بهره مندی معلمان از سواد حقوقی در ایران به معنای آگاهی از منابع مختلف قوانین موثر بر عملکرد حرفه ای شان است که در این پژوهش، سه حوزه آگاهی از قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون رسیدگی به تخلفات اداری و قانون نظام رتبه بندی معلمان بررسی می شود.

۱. American Bar Association

۲. Multiple Action Research Group (MARG)

۳. Schimmel & Millitelo

با توجه به اهمیت برخورداری از سواد حقوقی برای معلمان و محدودیت وجود پژوهش در این حوزه به خصوص در ایران، به نظر می‌رسد انجام مطالعات جامع در این حوزه مسلم باشد. از این رو، هدف کلی نوشتار حاضر، بررسی وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان است. همچنین، فرضیه‌های پژوهش براساس بررسی صورت‌گرفته در ادبیات پژوهش به شرح زیر صورت‌بندی می‌شوند: (۱) وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان در حد ضعیف است. (۲) بین میزان سواد حقوقی معلمان برحسب جنسیت، تفاوت معنادار وجود دارد. (۳) بین میزان سواد حقوقی معلمان برحسب مدرک تحصیلی، تفاوت معنادار وجود دارد. (۴) بین میزان سواد حقوقی معلمان برحسب سابقه تدریس، تفاوت معنادار وجود دارد.

بر مبنای توضیحات پیش‌گفته، سوالات پژوهشی ذیل مطرح می‌شوند: (۱) وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان (آگاهی از قوانین مربوط به فرآیند جذب کارکنان آموزش و پرورش، ارتقای شغلی، تخلفات آموزشی، پیامدهای قانونی تخلفات آموزشی و حقوق و مزایای کارکنان آموزش و پرورش) چگونه است؟ (۲) آیا بین میزان سواد حقوقی معلمان برحسب جنسیت، میزان تحصیلات و سابقه تدریس آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد؟

۱-۱. مفهوم قانون

یکی از عوامل موثر و مشترک در مدیریت انواع سازمان‌ها و مؤسسات، به‌ویژه سازمان‌های آموزشی؛ تدوین قوانین و مقررات مناسب و رعایت آن‌هاست (صافی، ۱۴۰۱: همان). قانون از واژه یونانی کانون به معنی قاعده و ترتیب اتخاذ شده و رابطه ثابتی است که میان اشیا وجود دارد. در علم حقوق، قانون در دو صورت عام و خاص تعبیر می‌شود که قانون در معنای عام، هر قاعده یا دستور کلیست که از طرف قدرت حاکمه کشور، وضع و اطاعت از آن اجباری گردد (مدنی، ۱۳۷۶). قانون در کتاب سازمان و قوانین آموزش و پرورش به دو نوع قانون اساسی و قانون عادی تقسیم می‌شود که قوانین آموزش و پرورش جزو قوانین عادی به حساب می‌آید (صافی، ۱۴۰۱: ۱۸). مطالعه قوانین آموزش و پرورش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ مصوب مجلس شورای ملی و مجلس شورای اسلامی، مبین آن است که بخشی از این قوانین، مربوط به امور اداری، استخدامی و رفاهی کارکنان آموزش و پرورش است (صافی، ۱۴۰۱: ۱۷۹) که در ادامه به شرح ویژگی‌های این قوانین پرداخته می‌شود.

۱-۲. قانون مدیریت خدمات کشوری

قانون مدیریت خدمات کشوری، یکی از قوانین مهمی است که ناظر امور اداری و استخدام کارکنان دولت از جمله وزارت آموزش و پرورش است. این قانون پس از بررسی‌های متعدد و شش سال مطالعه توسط دولت، در پایان برنامه سوم توسعه به مجلس شورای اسلامی ارائه شد و در سال ۱۳۸۶ تصویب گردیده

است. در این قانون، هدف اصلی از تدوین آن، برقراری عدالت در پرداخت‌ها و جلوگیری از ناهماهنگی‌ها ذکر شده است (صافی، ۱۴۰۱: ۱۸۰). این قانون در ۱۵ فصل به شرح زیر تنظیم و تصویب شده است: «۱) تعاریف، ۲) راهبردها و فناوری انجام وظایف، ۳) حقوق مردم، ۴) ساختار سازمانی، ۵) فناوری اطلاعات و خدمات اداری، ۶) ورود به خدمت، ۷) استخدام، انتصاب و ارتقای شغلی، ۹) توانمندسازی کارمندان، ۱۰) حقوق و مزایا، ۱۱) ارزیابی عملکرد، ۱۲) حقوق و تکالیف کارمندان، ۱۳) تامین اجتماعی، ۱۴) شورای عالی اداری و شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، ۱۵) مقررات مختلف.»

۳-۱. قانون رسیدگی به تخلفات اداری

قانون رسیدگی به تخلفات اداری در هفتم آذر ماه ۱۳۷۲ در ۲۷ ماده و ۲۹ تبصره به تصویب رسیده است. فصل اول این قانون در مورد تشکیلات، حدود و وظایف، فصل دوم در مورد تخلفات اداری و فصل سوم در زمینه مجازات‌ها بحث کرده است. در ماده ۸ تا ۳۸ این قانون موارد تخلفات اداری مطرح شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۱).

۴-۱. قانون رتبه‌بندی معلمان

مطابق ماده ۱ قانون نظام رتبه‌بندی معلمان (۱۴۰۰)، به منظور افزایش کیفی فرآیند تعلیم و تربیت، عملکرد رقابتی معلمان، استقرار نظام پرداخت‌ها براساس تخصص و شایستگی‌ها، اعتلای کرامت و منزلت اجتماعی معلمان، مهندسی نیروی انسانی، توسعه مستمر و نظام‌مند شایستگی‌های عمومی، تخصصی، حرفه‌ای و تربیتی و کیفیت عملکرد معلمان، تقویت انگیزه و رضایت‌مندی شغلی و ارتقای تعهد و تقویت هویت حرفه‌ای معلمان براساس نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نظام رتبه‌بندی معلمان تعیین و اجرا می‌شود. این قانون مشتمل بر ۹ ماده و ۸ تبصره در پانزدهم اسفند ماه ۱۴۰۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

۵-۱. سواد حقوقی

در گذشته، اصطلاح سواد حقوقی برای اشاره به جنبه‌ای از آموزش حقوق حرفه‌ای استفاده می‌شد که به معنی تبحر در خواندن و نوشتن استدلال‌های حقوقی، دادخواست‌های تقدیمی، آراء دادگاه و دادخواهی بود که منجر به تقنین مجموعه قوانین می‌شد. فراگیری سواد حقوقی، یکی از اهداف دوره‌های آموزشی نگارش متون حقوقی در دانشکده‌های حقوق بود که به دانشجویان تعلیم داده می‌شد به مثابه یک وکیل اندیشیده و مکاتبه‌کنند (Zariski, ۲۰۱۴). بعدها، در نتیجه افزوده شدن دو رویکرد متفاوت به این مفهوم، معنای مبسوط‌تری از سواد حقوقی مصطلح شد. رویکرد اول، سواد حقوقی را ظرفیتی می‌داند که در امتداد یک زنجیره گسترده است که وکلا و قضات در یک سو و غیر وکلا (افراد عادی) در سوی دیگر آن قرار دارند.

این رویکرد توسط محققى به نام جیمز بوید وایت اتخاذ شد که سواد حقوقی را «درجه‌ای از شایستگی در گفتمان حقوقی مستلزم زیست معنادار و فعال در فرهنگ روزافزون حقوقی و دادخواهی» می‌داند (White, ۱۹۸۳: ۱۴۴). براساس رویکرد زنجیره‌ای، برخورداری از سطح معینی از سواد حقوقی برای مشارکت مؤثر فرد در جامعه امروزی مورد نیاز است، اما لزومی ندارد یک شهروند عادی به سطح سواد استاندارد حرفه‌ای دانشکده‌های حقوق برسد. دومین رویکرد سواد حقوقی، تلقی این مفهوم به عنوان استعاره است که فراگیری سواد حقوقی، به یادگیری یک زبان خارجی تشبیه می‌شود (Zariski, ۲۰۱۴: ۲۱). کسانی که سر رشته‌ای از سواد حقوقی ندارند، درک دنیای حقوقی برایشان مانند زندگی در یک کشور اجنبی با زبان بیگانه نامأنوس است (Casimir, et al, ۱۹۸۶).

انجمن وکلای کانادا (۱۹۹۲)، سواد حقوقی را این‌گونه تعریف می‌کند: «توانایی درک کلمات و اصطلاحات تخصصی حوزه حقوقی، سپس استنتاج و به‌کارگیری آن‌ها برای اقدام حقوقی لازم». طبق تعاریف پیش‌گفته، افراد به مثابه عناصر فعال، توانایی درک و استنتاج قوانین را دارند تا با بهره‌گیری از اختیار خود، برای به‌چالش کشیدن شرایط فعلی و تغییر آن اقدام کنند. لذا سواد حقوقی، فراتر از کسب اطلاعات قانونی، توسعه صلاحیت حقوقی بنیادین و کسب دانش و درک انتقادی در مورد ماهیت قانون، روند قانونی شدن و منابع قانونی است که استفاده از ظرفیت‌ها در عمل را نیز تأکید می‌کند (Casimir, et al, ۱۹۸۶).

لرد هانت^۱ (انجمن وکلای کانادا، ۱۹۹۲)^۲ معتقد است که افراد با سواد حقوقی قادرند:

- حقوق و مسئولیت‌های قانونی خود را به رسمیت بشناسند و از آن‌ها استفاده کنند.
- تعارضات قانونی را درک و راه‌حل‌های قانونی موجود را بررسی کنند.
- از دعاوی حقوقی پیشگیری کرده، در صورت وقوع، چگونگی توسل به حامی موثق را بدانند.
- چگونه و کجا برای دریافت اطلاعات حقوقی جستجو کنند.

کسب و ارتقای سواد حقوقی، نوعی فرآیند توانمندسازی است که متضمن منفعت افراد است؛ چرا که توانایی درک و تأمل انتقادی در مورد موقعیت‌ها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محیط اطراف، منجر به ایفای نقش فعال در روند تغییرات سازمانی و اجتماعی محیط اطراف خواهد شد (Peña Carranco, ۲۰۱۶: ۴).

۱-۶. اهداف سطوح مختلف دوره‌های فراگیری سواد حقوقی

اهداف دوره‌های فراگیری سواد حقوقی را به نقل از حبیب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) می‌توان در سه بعد آموزشی، صلاحیتی و انتقادی دسته‌بندی کرد. هدف آموزشی فراگیری سواد حقوقی در مقایسه با اهداف

۱. Lord Hunter

۲. Canadian Bar Assosition

دیگر برجسته‌تر است و اولویت بیشتری دارد. آموزش حقوقی عمومی (PLE)^۱، مجموعه‌ای از فعالیت‌های آموزشی در حوزه فراگیری حقوق و مسئولیت‌های قانونی به منظور گسترش عمومی سواد حقوقی در سطح بین‌المللی و تقویت سواد پایه و توانمندسازی شرکت‌کنندگان است. این فرآیند، جزو خدمات عمومی رایگان و عام‌المنفعه است که شامل: برگزاری جلسات یا کارگاه‌های آموزشی در مکان‌هایی مانند مدارس، گروه‌های جوانان و زندان‌ها برای ارائه اطلاعات یا منابع در مورد مسائل حقوقی، کمپین‌های افزایش آگاهی، تمرینات نقش‌آفرینی و فعالیت در رویدادهای اجتماعی است. برای مثال، یکی از حوزه‌های فعالیت سازمان بین‌المللی و غیردولتی «ابتکار حقوق بشر مشترک المنافع» (CHRI)^۲، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی عموم در زمینه مسائل حقوقی است که این فعالیت‌های آموزشی، به توانمندسازی حقوقی و افزایش سواد حقوقی مردم در اقصی نقاط جهان منجر می‌شود. با این حال، طبق توضیحات پیش‌گفته، صرفاً آموزش و انتقال اطلاعات در مورد حقوق و مسئولیت‌های قانونی، متضمن برخورداری از سواد حقوقی نیست. لذا به نقل از حبیب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) در دوره‌های فراگیری سواد حقوقی، هدف؛ سطح صلاحیتی تقویت توانمندی مردم در به‌کارگیری قانون برای دفاع از حقوق خود است. در نهایت، در سطح انتقادی فراگیری سواد حقوقی، انتظار می‌رود افراد علاوه بر استفاده از قانون برای دفاع از حقوق خود، به پیکربندی مجدد و تدوین چارچوب قانونی و مستحکم‌پیرازند تا پاسخگوی نیاز افراد بیشتری باشد. دستیابی به این سطح، مستلزم توانایی نقد و ارزیابی نقاط ضعف و قوت ساختارها، فرآیندها و رویه‌های قضایی فعلی حاکم است (حبیب‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۴).

رمضان مقدم و جاری و جانی‌پور (۱۳۹۵) با هدف بررسی رابطه عوامل اجتماعی و سواد حقوقی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی، پژوهشی را انجام دادند. سواد حقوقی در زمینه میزان آگاهی از اصل سی‌ام قانون اساسی (اصل آموزش و پرورش)، اصل چهل و سوم قانون اساسی، قوانین مؤجر و مستأجر، حقوق خانواده، قانون کار، قوانین بیمه، قوانین چک و سفته، بررسی شد و نتایج یافته‌های توصیفی پژوهش بیان داشت اکثریت شرکت‌کنندگان از سطح سواد حقوقی متوسط برخوردار بودند. همچنین بین سواد حقوقی و آگاهی شهروندی، رابطه مستقیم معناداری وجود داشت؛ بدین صورت که با افزایش میزان سواد حقوقی، میزان آگاهی از حقوق شهروندی افراد نیز افزایش یافت. پژوهش شکاری و حاجی‌رشیدی (۱۳۸۸)، آموزش حقوق بشر در دوره متوسطه و میزان توجه به آموزش حقوق بشر و خلأ موجود در برنامه درسی دوره متوسطه ایران را بر اساس دیدگاه معلمان و متخصصان دوره متوسطه شهر کاشان و کارشناسان برنامه درسی شهر تهران مورد بررسی و انتقاد قرار داده است. سه حیطه اساسی دانش، مهارت و نگرش در

۱. Puplic Legal Education

۲. Commonwealth Human Rights Initiative

آموزش حقوق بشر و میزان توجه به آن‌ها در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی آموزش متوسطه ایران در این پژوهش بررسی شد که نتایج نظرسنجی تحقیق نشان داد اولاً معلمان، مدیران و برنامه‌ریزان برنامه درسی با آموزش مفاهیم حقوق بشر در سه حوزه دانشی، مهارتی و نگرشی موافق بوده و ثانیاً برنامه‌ریزان برنامه درسی، میزان توجه به مولفه‌های آموزش حقوق بشر را غیرقابل قبول توصیف کردند. محمدزاده و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه موردی به طراحی برنامه درسی سواد حقوقی، مطابق با مضامین استخراج شده از مصاحبه با متخصصین رشته حقوق و برنامه درسی، وکلا و قضات در چارچوب عناصر نه‌گانه برنامه درسی شامل: اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری، مواد و منابع آموزشی، فعالیت‌های یادگیری فراگیر، زمان آموزش، فضای آموزشی، گروه‌بندی فراگیران و ارزشیابی پرداختند. همچنین مرزوقی و محمدزاده (۱۳۹۹) در پژوهشی مشابه درخصوص آموزش سواد حقوقی دوره متوسطه به طراحی چارچوب برنامه درسی آموزش سواد حقوقی دوره متوسطه پرداختند و به منظور اعتباریابی چارچوب طراحی شده تناسب، تجانس و توازن قابل قبول آن را اثبات کردند. حبیب‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) درخصوص تعهدات دولت در گسترش سواد حقوقی به بررسی رویکردها، اهداف و چشم‌اندازها، موانع دستیابی به سواد حقوقی و نقش دولت‌ها در تحقق سواد حقوقی و سیاست‌های تقنینی، اجرایی و قضایی سواد حقوقی در نظام حقوقی ایران پرداختند. در این پژوهش، مفهوم سواد حقوقی معادل توانمندی حقوقی در نظر گرفته شد و مدل توانمندی حقوقی ارائه شد. پائول^۱ (۲۰۰۱) به منظور بررسی تأثیر تجربه کاری معلمان بر دانش آن‌ها از مفاهیم حقوقی، پژوهشی را انجام داد. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بین دانش معلمان از مفاهیم حقوقی آموزش و پرورش و سابقه معلم، رابطه مثبت وجود داشته و کسانی که حداقل ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه تدریس داشتند از سطح دانش بالاتری برخوردار بودند. از طرفی، معلمان با سابقه کاری بیش از سی سال یا سابقه کاری سه سال و کمتر، دانش کمتری در این حوزه داشتند. شیمل و میلitelio^۲ (۲۰۰۷)، سواد حقوقی و آموزش حقوقی معلمان را براساس نظرسنجی از بیش از ۱۳۰۰ نفر معلم بررسی کردند که دریافتند بیشتر معلمان نسبت به حقوق دانش‌آموز و معلم ناآگاه هستند یا آگاهی کافی ندارند؛ چراکه هیچ دوره‌ای درخصوص آموزش حقوق و قوانین مدرسه برای آن‌ها برگزار نشده بود و به همین دلیل، بسیاری از اطلاعات در مورد قوانین مدرسه را از معلمان دیگر دریافت می‌کردند. در پژوهش دیگری توسط وایت^۳ (۱۹۸۳)، درک و دانش معلمان از حقوق دانش‌آموزان و اظهارات آن‌ها در مورد اقدامات مرتبط با مسائل قانونی در قالب مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با معلمان بررسی شد. طی این مصاحبه‌ها، اگرچه معلمان با سوالات حقوقی متداولی مواجه شدند، اما بیشتر آن‌ها اطلاعات اندکی داشتند و از جستجو و کسب اطلاعات بیشتر

۱. Paul

۲. Schimmel & Militellio

۳. White

در این زمینه خودداری کردند و خود را فاقد ظرفیت لازم برای انجام این کار می‌دانستند. علاوه بر این، معلمان به دلیل وجود برخی قوانین نانوشته‌ای که تحدیدکننده استقلالشان بود، احساس درماندگی کرده و اذعان داشتند که فکر می‌کردند قوانینی را نقض می‌کنند که در واقع وجود ندارد. واگنر^۱ (۲۰۰۹) به بررسی سطح آگاهی معلمان از قوانین آموزشی پرداخت که شرکت‌کنندگان پژوهش ۱۸۶ معلم، ۷۰ مدیر و ۲۰ استاد دانشگاه بودند. نتایج تحقیقات، تفاوت قابل توجهی میان سطح سواد حقوقی معلمان و استادان دانشگاه را نشان داد و از آن جایی که سواد حقوقی معلمان به ۳۰ سال قبل باز می‌گشت، ضرورت به روزرسانی سواد حقوقی و گذراندن دوره‌های ضمن خدمت برای بازآموزی سواد حقوقی معلمان احساس می‌شد. در پژوهشی دیگر، مید^۲ (۲۰۰۸) برای بررسی رابطه بین دانش معلمان از قوانین مدرسه و میزان ورود آن‌ها به دعاوی قضایی، پرونده‌هایی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ را بررسی کرد که نتایج ذیل حاصل گردید: نتایج دعاوی فقهی عمدتاً متأثر از مقامات درگیر دعاوی قضایی و محل قرارگیری مدارس است. به عنوان مثال، احتمال موفقیت عوامل منتسب به مدارس دولتی در پرونده دعاوی قضایی مطروحه در آموزش و پرورش بیشتر است و دفاعیه معلم نیز بر نتیجه تجدیدنظر دادگاه در مورد پرونده‌های مربوطه اثرگذار است. کوپر^۳ (۲۰۱۱) سطح سواد حقوقی نمونه‌ای از معلمان و مدیران چهار مدرسه ابتدایی را از طریق تکمیل نظرسنجی شامل موارد قانونی و شرح قوانین در آموزش و پرورش بررسی کرد که در آن، چهل درصد از پاسخگویان قادر به پاسخگویی صحیح به سوالات مربوط به حقوق دانش آموز و شصت درصد قادر به پاسخگویی صحیح به سوالات مربوط به حقوق معلم بودند. همچنین متغیرهای مورد مطالعه پژوهش شامل: جنسیت، پایه تدریس شده و میزان تحصیلات پاسخگویان، تأثیر محدودی بر سطح سواد حقوقی داشتند؛ ولی از میان این سه متغیر، میزان تحصیلات تأثیر محسوس‌تری بر سطح سواد حقوقی معلمان داشته است. دکر و همکاران (۲۰۱۹)^۴، پس از شرکت مدیران مدرسه و معلمان در دوره تحصیلات تکمیلی حقوق آموزش پرورش، نظرسنجی انجام دادند. ۸۸ درصد از شرکت‌کنندگان پس از اتمام دوره در مورد مسائل قانونی حوزه آموزش، اطلاعات بیشتری کسب کرده بودند که افزایش احساس توانمندی و کاهش ترس در مواجهه با مسائل قانونی محیط مدرسه را برایشان همراه داشت و منجر به بروز برخی تغییرات رفتاری از سوی معلمان شد که شامل تغییر رویه عملکرد روزانه معلمان برای کسب اطمینان از انطباق بیشتر با الزامات قانونی، انجام تحقیقات حقوقی و پیگیری مشاوره حقوقی بیشتر و آموزش به همکاران در مورد قوانین مربوطه بود.

عمده تحقیقات فعلی در مورد مسائل حقوقی حیطه آموزش از ایالات متحده نشأت می‌گیرد؛ اما

۱. Wagner

۲. Mead

۳. Cooper

۴. Decker et al.,

کشورهای دیگری مانند کانادا و استرالیا نیز در حال انجام تحقیقات جدیدی در این زمینه هستند. با توجه به تحقیقات صورت گرفته توسط دلانی^۱ (۲۰۰۹)، در حالی که موضوع اغلب پژوهش های متعلق به ایالت متحده در حوزه دعاوی قضایی معلمان است، کشورهای کانادا و استرالیا حوزه موضوعی سواد حقوقی معلمان در مورد حقوق بشر را مورد توجه قرار داده اند. (Cooper, ۲۰۱۱)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی معلمان شاغل مقطع متوسطه اول و دوم مدارس ناحیه ۲ شهر زنجان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ تشکیل داده اند که بر اساس آمار مربوط به سال ۱۴۰۱ ارائه شده توسط اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان ۱۸۵۹ نفر بودند که ۱۲۸۳ نفر از آن ها را زنان و ۵۷۶ نفر را مردان تشکیل می دادند که به ترتیب ۶۹/۱ درصد و ۳۱/۹ درصد جمعیت هدف را شامل می شدند. برای برآورد حجم نمونه از جدول کرجسی مورگان^۲ (۱۹۷۰) استفاده شد که براساس این جدول، حداقل حجم نمونه مورد نیاز برای جامعه مورد نظر، ۳۱۸ نفر بود و بر این مبنا، ۳۲۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای با توجه به ترکیب جامعه هدف در قالب ۲۲۱ نفر زن و ۹۹ نفر مرد انتخاب شدند و پرسشنامه بین نمونه آماری توزیع گردید. ابزار مورد استفاده پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته سواد حقوقی معلمان مشتمل بر سه بُعد، هفت مولفه و ۳۰ گویه است. طبق جدول (۱)، بُعد اول، آگاهی از قانون مدیریت خدمات کشوری شامل دو مولفه آگاهی از قانون جذب کارکنان آموزش و پرورش (۴ گویه) و آگاهی از قوانین بهره مندی از حقوق و مزایا (۶ گویه)؛ بُعد دوم، قانون رسیدگی به تخلفات اداری شامل سه مولفه آگاهی از مصادیق تخلفات اداری (۳ گویه)، آگاهی از پیامدهای تخلفات اداری (۴ گویه) و آگاهی از روند رسیدگی به تخلفات اداری (۵ گویه) و بُعد سوم، آگاهی از قانون نظام رتبه بندی شامل دو مولفه آگاهی از شرایط ارتقای شغلی (۴ گویه) و آگاهی از شرایط بهره مندی از مزایای رتبه بندی (۴ گویه) هست. نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت پنج گزینه ای: کاملاً غلط، غلط، نظری ندارم، درست، کاملاً درست با امتیاز ۱ تا ۵ بوده و درخصوص گزاره های نادرست نیز امتیازبندی به صورت معکوس انجام گرفته است. ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد که نشان دهنده این است که اجزای درونی گویه ها، دارای همبستگی قابل قبولی با همدیگر هستند و ابزار اندازه گیری از پایایی مناسبی برخوردار است.

۱. Delaney

۲. Krejcie & Morgan

جدول (۱). ابعاد و مولفه‌های سواد حقوقی

ابعاد	مولفه‌ها	شماره گویه‌ها
قانون مدیریت خدمات کشوری	آگاهی از قانون جذب کارکنان آموزش و پرورش	۱،۲،۴،۷
	آگاهی از قوانین بهره‌مندی از حقوق و مزایا	۳،۵،۶،۸،۹،۱۰
قانون رسیدگی به تخلفات اداری	آگاهی از پیامدهای تخلفات اداری	۱۱،۱۴،۲۰،۳۰
	آگاهی از روند رسیدگی به تخلفات اداری	۱۲،۱۶،۱۷،۱۸،۲۷
	آگاهی از مصادیق تخلفات اداری	۱۳،۱۵،۱۹
قانون نظام رتبه‌بندی معلمان	آگاهی از شرایط ارتقای شغلی	۲۱،۲۲،۲۴،۲۹
	آگاهی از شرایط بهره‌مندی از مزایای رتبه‌بندی	۲۳،۲۵،۲۶،۲۸

برای تعیین روایی صوری و محتوایی از نظرات ۵ تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان استان زنجان و ۲ نفر از کارشناسان حقوقی اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان استفاده شد و برای تعیین روایی سازه پرسشنامه، از آزمون تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. مقدار شاخص‌های برازش مدل سواد حقوقی معلمان که نسبت خی دو به درجه آزادی برابر $1/51$ و شاخص ریشه خطای میانگین مربعات (RAMSEA) برابر با $0/75$ است. از آن جایی که شاخص RAMSEA کمتر از $0/5$ و شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص نیکویی برازش به ترتیب برابر $0/94$ و $0/92$ و بالای $0/9$ است؛ در نتیجه، شاخص‌های برازش مولفه‌های سواد حقوقی معلمان در حد مطلوبی است و شاخص‌های به دست آمده در تحلیل عاملی برازش مطلوب داده‌ها با مدل را نشان می‌دهد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از نرم افزار spss version ۲۷ استفاده شد. آزمون کولموگروف اسمیرنوف، نرمال بودن داده‌ها را نشان داد که در نهایت برای بررسی فرضیات پژوهش از آزمون‌های تی یک نمونه مستقل، تی دو نمونه مستقل و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

۳-۱. آمار توصیفی

بر اساس جدول (۲)، اکثریت جمعیت شرکت‌کنندگان در پژوهش را زنان با فراوانی $69/1$ درصد و مردان با $30/9$ درصد کمترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین $6/5$ درصد معلمان با مدرک دیپلم، $4/7$ درصد مدرک فوق دیپلم، 40 درصد مدرک کارشناسی، $36/3$ درصد کارشناسی ارشد و $12/5$ درصد مدرک دکترا، نمونه پژوهش را تشکیل داده‌اند که بیشترین درصد فراوانی متعلق به معلمان با مدرک

کارشناسی (۴۰٪) و کمترین درصد فراوانی مربوط به معلمان با مدارک تحصیلی فوق دیپلم (۴/۷٪) است. به لحاظ سابقه تدریس؛ ۲۹ درصد معلمان سابقه تدریس زیر ۵ سال، ۱۵/۳ درصد سابقه تدریس بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۶/۳ درصد سابقه تدریس بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۸/۸ درصد سابقه تدریس بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۳۰/۶ درصد، سابقه تدریس بالای ۲۰ سال داشتند.

جدول (۲). آمار توصیفی شرکت کنندگان در پژوهش

متغیر	ویژگی جمعیت شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۹۹	۳۰/۹
	زن	۲۲۱	۶۹/۱
تحصیلات	دیپلم	۲۱	۶/۵
	فوق دیپلم	۱۵	۴/۷
	لیسانس	۱۲۸	۴۰
	فوق لیسانس	۱۱۶	۳۶/۳
	دکتر	۴۰	۱۲/۵
سابقه تدریس	زیر ۵ سال	۹۳	۲۹
	۵ تا ۱۰ سال	۴۹	۱۵/۳
	۱۰ تا ۱۵ سال	۵۲	۱۶/۳
	۱۵ تا ۲۰ سال	۲۸	۸/۸
	بالای ۲۰ سال	۹۸	۳۰/۶

۳-۲. تجزیه و تحلیل آماری

برای بررسی وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان از آزمون تی یک نمونه مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول (۳) آورده شده است.

جدول (۳). آزمون تی یک نمونه مستقل جهت ارزیابی میزان سواد حقوقی معلمان و مولفه های آن

میانگین معیار: ۳			
مولفه های سواد حقوقی	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	سطح معناداری
قانون مدیریت خدمات کشوری	۲/۷۹	۰/۳۶۸	۰/۰۰۱
قانون رسیدگی به تخلفات اداری	۲/۳۶	۰/۴۲۲	۰/۰۰۱
قانون نظام رتبه بندی	۲/۴۷	۰/۵۳۲	۰/۰۰۱
سواد حقوقی	۲/۵۵	۰/۳۱۴	۰/۰۰۱

براساس نتایج جدول (۳)، میانگین به دست آمده برابر با ۲/۵۵ و میانگین معیار ۳ است و در سطح

خطای کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است که این نتایج نشان می‌دهد سطح سواد حقوقی دبیران ناحیه ۲ زنجان پایین‌تر از حد متوسط است. برای هر یک از مولفه‌ها نیز میانگین تجربی به دست آمده، پایین‌تر از حد متوسط است؛ به طوری که میزان آگاهی از قانون مدیریت خدمات کشوری (۲/۷۹)، میزان آگاهی از قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۲/۳۶) و میزان آگاهی از قانون نظام رتبه‌بندی (۲/۴۷) در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ با میانگین معیار ۳ سطح پایین‌تر از متوسط را نشان می‌دهد. در نهایت، فرضیه وضعیت سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان در حد ضعیف است، تایید می‌شود.

به منظور مقایسه سطح سواد حقوقی معلمان برحسب جنسیت، از آزمون تی دو گروه مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴) آزمون تی دو نمونه برای ارزیابی میزان سواد حقوقی معلمان برحسب جنسیت

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان سواد حقوقی معلمان	زن	۹۹	۲/۵۵	۰/۳۴۰	۰/۲۷	۳۱۸	۰/۹۷۸
	مرد	۲۲۱	۲/۵۵	۰/۲۹۸			

نتایج جدول (۴)، میانگین میزان سواد حقوقی دبیران مرد و زن را ۲/۵۵ نشان می‌دهد. مقدار t برابر با ۰/۲۷ و سطح معناداری ۰/۹۷۸ است؛ بنابراین، میان میزان سواد حقوقی بین دبیران زن و مرد تفاوت معناداری وجود ندارد ($P\text{-value} < ۰/۰۵$). به منظور مقایسه ارزیابی سطح سواد حقوقی معلمان برحسب مدرک تحصیلی آن‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵) آزمون تحلیل واریانس یک راهه پیرامون میزان سواد حقوقی معلمان برحسب مدرک تحصیلی

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معناداری
بین گروهی	۰/۳۲۰	۴	۰/۰۸۰	۰/۸۰۷	۰/۵۲۱
درون گروهی	۳۱/۲۵۷	۳۱۵	۰/۰۹۹		
کل	۳۱/۵۷۸	۳۱۹			

بر اساس نتایج جدول (۵)، مقدار آماره F برابر با ۱/۲۳ است و سطح معناداری ۰/۵۲۱ است. براین اساس، فرضیه وجود تفاوت معنادار میان میزان سواد حقوقی معلمان برحسب مدرک تحصیلی رد می‌شود ($P\text{value} < ۰/۰۵$).

به منظور مقایسه میزان سواد حقوقی، براساس سابقه تدریس آن‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد که نتایج آن در جدول (۶) نشان داده شده است.

جدول (۶) آزمون تحلیل واریانس یک راهه پیرامون میزان سواد حقوقی معلمان برحسب سابقه تدریس آن‌ها

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
بین گروهی	۰/۴۸۶	۴	۰/۱۲۱	۱/۲۳۰	۰/۳۱
درون گروهی	۳۱/۰۹۲	۳۱۵	۰/۰۹۹		
کل	۳۱/۵۷۸	۳۱۹			

مطابق یافته‌های جدول (۶)، مقدار آماره F برابر ۱/۲۳۰ و سطح معناداری ۰/۳۱ است. بنابراین، فرضیه وجود تفاوت معنادار میان میزان سواد حقوقی معلمان برحسب سابقه تدریس تایید می‌شود (P-value > ۰/۰۵).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف عمده پژوهش حاضر، ارزیابی میزان سواد حقوقی نمونه‌ای از معلمان ناحیه ۲ زنجان بود. نتایج پژوهش در وهله اول مبین آن است که سطح سواد حقوقی معلمان ناحیه ۲ زنجان، پایین‌تر از حد متوسط بوده که نتیجه این تحقیق با نتایج پژوهش‌های رگلین^۱ (۱۹۹۲)، وایت^۲ (۱۹۸۳)، گولات و تولت^۳ (۱۹۹۷)، پیترز و مونتگری^۴ (۱۹۹۸)، ویگر^۵ (۲۰۰۷)، فایندلی^۶ (۲۰۰۷)، شیمل و میلیتلو^۷ (۲۰۰۷)، موسولا^۸ (۲۰۰۸)، دیویس^۹ (۲۰۰۹)، کوپر^{۱۰} (۲۰۱۱)، دکر و همکاران^{۱۱}، (۲۰۱۳)، یانگ و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۴)، سامرز و همکاران^{۱۳} (۲۰۲۰) که اذعان دارند سواد حقوقی معلمان در حد ضعیف است، همسویی دارد. همچنین دیویس^{۱۴} (۲۰۰۹)، جهل به قانون را پدیده‌ای فرامرزی و جهان شمول در میان معلمان می‌داند. نتایج پژوهش، مبنی بر نبود تفاوت معنادار میان جنسیت و میزان سواد حقوقی معلمان با نتیجه تحقیق کوپر^{۱۰} (۲۰۱۱) همسو است؛ اما در مورد عدم وجود تفاوت معنادار میان مدرک تحصیلی و میزان سواد حقوقی معلمان، نتایج تحقیق کوپر با

۱. Reglin
۲. White
۳. Gullatt & Tollett
۴. Peters & Montgomerie
۵. Wagner
۶. Findly
۷. Schimmel & Militello
۸. Moswela
۹. Davies
۱۰. Cooper
۱۱. Decke., et al
۱۲. Young., et al
۱۳. Summers., et al
۱۴. Davies

نتایج تحقیق حاضر همسویی نداشته است؛ چرا که نتایج پژوهش کوپر (۲۰۱۱) اذعان دارد مدرک تحصیلی، تاثیر اندک اما مثبتی بر سطح سواد حقوقی معلمان داشته است، در صورتی که نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد تفاوت معناداری میان سطح تحصیلات و میزان سواد حقوقی معلمان وجود ندارد. در رابطه با وجود تفاوت معنادار میان سابقه تدریس و میزان سواد حقوقی معلمان نیز نتایج پژوهش حاضر؛ نتایج تحقیق پل (۲۰۰۱) را تصدیق کرده و تاثیر مثبت سابقه معلمان بر سواد حقوقی را نشان می دهد اما با نتایج تحقیق کوپر (۲۰۱۱) همسویی ندارد.

پژوهش ها حاکی از آن است که در حال حاضر، سواد حقوقی معلمان ناکافی است. با توجه به قدرت نفوذ و تأثیرگذاری قابل توجهی که معلمان بر دانش آموزان خود دارند، معلمان موظفند هم از قوانین مطلع باشند و هم از آن پیروی کنند. (Gullatt & Tollett, ۱۹۹۷)

بنابراین، اگر در این زمینه آموزش کافی ندیده باشند؛ رسالت آن ها در انجام این مهم به نحو احسن صورت نمی گیرد؛ در نتیجه، در دوره های آموزشی پیش از خدمت باید به دانشجو-معلمان، اطلاعات پیشینه نظری و عملی مناسبی در حوزه سواد حقوقی آموزش و پرورش ارائه شود. مطالعات تطبیقی صورت گرفته در کشورهای دیگر نشان می دهد انجمن ها، فرصتی برای مطالعه مسائل حقوقی آموزش و پرورش فراهم می کنند. برای مثال، انجمن کپسل^۱ در کانادا یا نمونه مشابه آن در آمریکا سازمان ملی نوپل^۲، مسائل حقوقی حوزه آموزش و پرورش و موضوع برنامه درسی آموزش سواد حقوقی برای معلمان را در پنج حوزه سیستم های دولتی و دادگاه، دانش آموزان و قانون، معلمان و قانون، معلمان و مسئولیت منطقه و قوانین مربوط به افراد دارای معلولیت را مورد مطالعه قرار می دهد (Gullatt & Tollett, ۱۹۹۷). علاوه بر ارائه دوره ها و دروس دانشگاهی در حوزه حقوقی آموزش، راه حل های دیگری می تواند برای کاهش نارسایی کنونی در درک سواد حقوقی موثر باشد. برای مثال، توسعه حرفه ای مستمر معلمان در دوره های ضمن خدمت در مورد آخرین تغییرات قوانین آموزشی و احکام اخیر دادگاه به عنوان منبعی برای آگاه کردن کارکنان از هرگونه تغییر در حوزه مسائل قانونی و یا برگزاری کنفرانس های آموزش سواد حقوقی برای معلمان و مدیران. در عرصه قانون گذاری با تدوین چارچوب قانونی مستحکم و در عرصه اجرا، با فراهم کردن زمینه های آموزش رسمی و غیررسمی سواد حقوقی و نیز از طریق همکاری با تشکل های مدنی فعال در این حوزه، زمینه دستیابی به سطح سواد حقوقی بالاتری فراهم می آید؛ به ویژه با توجه به این نکته که بدون ایجاد، توسعه و تعمیق مفهوم سواد حقوقی، ایجاد دولت حقوقی و دولت مدرن با دشواری های فراوانی مواجه است.

۱. Capsle

۲. Nople

منابع فارسی

۱. حبیب‌نژاد، سیداحمد؛ عامری، زهرا و خسروی، احمد (۱۳۹۹). «تعهدات دولت در گسترش سواد حقوقی با نگاهی به نظام حقوقی ایران». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۰ (۱)، ۱۹۷-۱۸۱.
۲. doi: 10.22059/jplsq.2018.255092.1707 .
۳. رمضان‌مقدم و اجاری، یاسمن؛ جانی‌پور، مجتبی (۱۳۹۶). «رابطه عوامل اجتماعی و آگاهی از قوانین با آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر رشت». (مطالعات جامعه‌شناسی)، ۹ (۳۴)، ۳۳-۴۹.
۴. SID. <https://sid.ir/paper/222578/fa> .
۵. شکاری، عباس و حاجی‌رشیدی، محمدهادی (۱۳۸۸). «بررسی میزان توجه به مولفه‌های حقوق بشر در برنامه درسی دوره متوسط ایران، نخستین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان»، قزوین. <https://civilica.com/doc/76481>
۶. صافی، احمد (۱۴۰۱). سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران، ویراست ۴ با تجدیدنظر اساسی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
۷. قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۱۳۷۱). مرکز پژوهش‌های مجلس، قابل دسترس در سایت <http://rc.majlis.ir>.
۸. -قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲). ماده ۲ و ۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترس در سایت <http://rc.majlis.ir>.
۹. قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶). مرکز پژوهش‌های مجلس، قابل دسترس در سایت <http://rc.majlis.ir>.
۱۰. قهرمانی‌فرد، کامیار؛ سیدعباس‌زاده، میرمحمد (۱۳۹۴). «طراحی و اعتباربخشی مدل بومی استانداردهای حرفه‌ای معلمان دوره دوم متوسطه (مطالعه‌ای آمیخته با جنبه‌های کیفی و کاربرد تکنیک دلفی)»، مطالعات آموزشی و آموزشگاهی ۴ (۲)، ۲۷-۵۰.
۱۱. محمدزاده، کمال و دیگران (۱۳۹۸). «طراحی برنامه درسی سواد حقوقی». پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی)، ۱۶ (۳۶)، (پیاپی ۶۳)، ۳۵-۴۸. SID. <https://sid.ir/paper/521490/fa>.
۱۲. مرزوقی، رحمت‌اله؛ محمدزاده، کمال (۱۳۹۹). «برنامه درسی سواد حقوقی دوره متوسطه: یک مطالعه ترکیبی». -پژوهش‌های برنامه درسی، ۱۰ (۱)، ۱۰۵-۱۳۳. doi: 10.22099/jcr.2020.5820.

منابع انگلیسی

13. Alexander, K. & Alexander, M. D. (2001). American Public School Law (5th ed.). Belmont: West– Thomson Learning.
14. American Bar Association ABA. (2017). United States. [Web Archive] Retrieved from the Library of Congress, <https://www.loc.gov/item>.
15. Casimir M., Michael E., Wanda M. Cassidy, and Suzanne de Castell. (1986). Legal Literacy: Towards a Working Definition. Report Submitted to the Canadian Law Information Council. Ottawa: Canadian Law Information Council.
16. Cooper, M.T.(2011). The legal literacy levels of educators in one family of schools in Ontario, submitted in partial fulfilment of the requiarmments for the degree of master of education, nipissing university schulich school of education north bay, Ontario.
17. Davies, T . (2009). The worrisome state of legal literacy among teachers and adminis–trators. Canadian Journal for New Scholars in Education .
18. Decker, J. (2014). Legal literacy in education: An ideal time to increase research ad–vocacy, and action. West’s Education Law Reporter, 304,679–697.
19. Decker, J.R., & Brady, K.P. (2016). Increasing school employees’ special education legal literacy. Journal of School Public Relations 36(2) 231–259.
20. Decker, J. R., Ober, P. D., & Schimmel, D. M. (2019). The Attitudinal and Behavioral Impact of School Law Courses. Journal of Research on Leadership Education, 14(2), 160–185. <https://doi.org/10.1177/1942775117742647>.
21. Decker, J, Umpstead, G. and Brady, K. (2013). A Call for Intra– and Inter–Constitu–ency Collaboration to Reduce Legal Illiteracy. Paper read at the Education Law Asso–ciation Conference held in Denver, CO, 13 – 16.
22. Delaney, J. G. (2008). The value of educational law to teachers in the K–12 school system. Morning Watch, 36(1–2), 1–24.
23. Delaney, J. (2009). The value of educational law to practising educators. Education and Law Journal, 19(2), 119–137.
24. Findlay, N.(2007) In–school administrators’ knowledge of education law. Education

- Law Journal, 17(2), 177–202.
25. Gullatt, D. E., & Tollett, J. R. (1997). Educational law: A requisite course for preservice and inservice teacher education programs. *Journal of Teacher Education*, 48(2), 129–135.
 26. Hamid, M. I. A., & Mohammad, N. A. N. (2018). Legal literacy of educators in Malaysia: an empirical study. *International Journal of business and society*, 19(S2), 187–204.
 27. Keel, R. G. (1998). *Student rights and responsibilities: Attendance and discipline*. Toronto: E. Montgomery Pub.
 28. Krejcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and psychological measurement*, 30(3), 607–610.
 29. Mead, Julie. (2008). *Teacher Litigation and its Implications for Teachers Legal Literacy*. Action in Teacher Education. 30. 10.1080/01626620.2008.10463494.
 30. Militello, M., & Schimmel, D. (2008). Toward Universal Legal Literacy in American Schools. *Action in Teacher Education*, 30(2), 98–106.
 31. Moswela, B. (2008). Knowledge of educational law: An imperative to the teacher's practice. *International Journal of Lifelong Education*, 27(1), 93–105.
 32. Paul, G. (2001). *An analysis of Georgia public school teachers' knowledge of school law: Implications for administrators* (Doctoral dissertation). Georgia Southern University, United States–Georgia
 33. Peña Carranco, L. E. (2016). The concept of legal literacy amongst educators in Canada doi:<http://dx.doi.org/10.14288/1.0347618>.
 34. Peters, F., & Montgomerie, C. (1998). Educators' knowledge of rights. *Canadian Journal of Education*, 23(1), 29–46.
 35. Posocco, S. C. L. (2016). *The importance of legal literacy in education*. Department of Curriculum, Teaching and Learning, Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto.
 36. Reglin, G. (1992). *Public school educators' knowledge of selected Supreme Court*

- decisions affecting daily public school operations. *Journal of Educational Administration*, 30(2), 26–32.
37. Schimmel, D., (2011). The Risks of Legally Illiterate Teachers: The Findings, the Consequences and the Solutions, *University of Massachusetts Law Review*, 6(1). Article 2. Available at: <http://scholarship.law.umassd.edu/umlr/vol6/iss1/2>.
38. Schimmel, D., & Militello, M. (2007). Legal literacy for teachers: A neglected responsibility. *Harvard Educational Review*, 77(3), 257–284. <https://doi.org/10.17763/haer.77.3.842n787555138746>.
39. Summers, K., Christine Kiracofe, christine Rienstra. (2020). Legal Literacy and K–12 Public School Teachers, *Mid–Western Educational Researcher*, 32 (4).
40. –Wagner, P. (2008). An Evaluation of the Legal Literacy of Educators and the Implications for Teacher Preparation Programs. Online Submission.
41. White, D. B. (2012). An assessment of the level of school law knowledge of South Carolina school principals and the implications for litigation and social justice (Doctoral dissertation). Retrieved from ProQuest. (UMI Number 3548900).
42. White, J. B. (1983). The Invisible Discourse of the Law: Reflections on Legal Literacy and General Education. *University of Colorado Law Review* 54: 143–159.
43. Young, D. C., Kraglund–Gauthier, W. L. and Foran, A. (2014). Legal literacy in teacher education programs: Conceptualizing relevance and constructing pedagogy. *Journal of Educational Administration and Foundations*, 24(1), 7–19.
44. Zariski, A. M. (2014). *Legal Literacy: An Introduction to Legal Studies*. Edmonton, AB: AU Press.
45. Zirkel, P. A. (2006). The effect of law on education: The common ungoodness of paralyzing fear? *Journal of Law and Education*. 35(4).